

جنوا و خشونت

امپراتوری حمله می کند

نوشته: سوزان ژرژ، لوموند دیپلماتیک اوت ۲۰۰۱

ترجمه: مرتضی ملک محمدی

قرعه تلاش عظیم و مجدد برای جنائی جلوه دادن مخالفین جهانی شدن اقتصاد لیبرالی به نام جنوا اصابت کرد. حساب‌گری ماکیاولیستی حکومت برلسکونی بر این پایه تنظیم شده بود که صابون خرابی تمام ناحیه شهر مرکزی ایالت لیگوریشن را به تن بمالد، تا در عوض مسئولیت آن را به گردن صدها سازمان غیر خشونت طلب، که در فروم اجتماعی جنوا گرد آمده بودند، بیاندازد. این تلاش ناکام ماند، زیرا مدارک کافی از هم‌دستی پلیس با گروه‌های «بلوک سیاه» به دست آمد. البته هزینه زیاد بود: یک کشته و بیش از ۶۰۰ زخمی. برلسکونی خود را در نزد همکارانش در نشست سران ۸ کشور صنعتی، آدمی مصمم و سرسخت جلوه داد و آن‌ها هم او را مورد پشتیبانی قرار دادند. تصمیمات متخذه در جنوا بیش از پیش روشن کرد که آن‌ها به اعتراضات بیش از ۲۰۰ هزار نفر تظاهر کننده هم چنان بی تفاوتند. این نشست به خصوص نشان داد که سران قدرت‌های سرمایه‌داری مصرند در نشست آتی - نوامبر آینده - در قطر خط لیبرالیزاسیون تجارت جهانی را هر طور شده پیش ببرند، هدفی که در سیاتل موفوق به آن نشدند.

مساله‌ای که دولت‌ها، مقامات اروپائی، شرکت‌های فراملیتی و موسسات بین‌المللی را به خود مشغول کرده این است که چه باید بکنند تا «مخالفین جهانی شدن» بی اعتبار شوند، ضعیف شوند، از خط خود منحرف شوند و در صورت امکان سازمان‌هایشان درهم بشکند. در هر کجا که این اربابان سیاره مراسم نیایش ربانی داشتند - دیروز در سیاتل و پراگ، امروز در جنوا - جنبش مدنی بین‌المللی حی و حاضر بوده و موی دماغشان شده است. آن دوران گذشت که «اربابان» می‌توانستند در کمال آرامش در آن بالا بنشینند و درباره سرنوشت بشریت تصمیم بگیرند. در ژوئن سال جاری بود که آن‌ها مجبور شدند حتی نشست مهم بانک جهانی در بارسلون را ملغی کنند.

شناخته شده‌ترین سلاح در زرادخانه رقیب عبارت است از استقرار پلیس و تعقیب و مجازات قانونی. در ماه آوریل در

کبک کانادا بهار بوی خون و سوزش گاز اشک‌آور را تجربه کرد. طبق آمار رسمی نیروهای انتظامی ۴۷۰۹ نارنجک

به سوی تظاهر کنندگان که علیه پیمان برنامه‌ریزی شده منطقه تجارت آزاد آمریکای (نفتا) به خیابان‌ها آمده بودند شلیک

کردند. حتی یک کمیسیون تحقیق خودشان که برای رسیدگی به مساله از طرف دولت محلی کبک مامور شده بود وجود این مجروحین را تایید کرد.

در اروپا هم در ماه‌های گذشته استفاده از قهر و خشونت و کاربست تحریف وارد مرحله جدیدی شده است. برای نمونه، در جریان فعالیت‌ها و اعتراضات به مناسبت دیدار سران حکومت‌های پانزده کشور اروپا در یوتوبوری، پلیس سوئد بی‌مهابا موثرترین امکانات خود را جهت سرکوب تظاهرکنندگان به کار گرفت. و هم‌چنین در تظاهرات علیه کنفرانس بانک جهانی در ۲۲ ژوئیه در بارسلون هم پس از آن که انجام مراسم بی‌مقدمه معلق شد تا غائبین ناراضی بانک جهانی خود را برای جشن آماده کنند، در پایان صف تظاهرکنندگان صلح‌آمیز، افراد پلیس در لباس شخصی شروع به تحریک و تشنج‌آفرینی کردند تا به همکاران انیفورم‌پوش خود بهانه لازم جهت سرکوب تظاهرکنندگان را داده باشد. در جنوا پلیس ایتالیا از این هم فراتر رفت: یک کشته و بیش از ۶۰۰ زخمی و صدها بازداشت خودسرانه. و در این جا بیش از جاهای دیگر توطئه‌ها و دغل‌کاری‌های پلیس در پشت قضیه دیده می‌شد. مدارک و مشاهدات موثقی وجود دارد که چگونگی هم‌کاری و تبانی پلیس و مقامات عالی‌با محرکین «بلوک سیاه» را به قصد انهدام بخشی از شهر مرکزی لیگوریشن ثابت می‌کند.

از آن جا که اعتراض‌کنندگان زیر سرکوب فیزیکی تسلیم نشدند؛ تعقیب و مجازات‌های به اصطلاح قانونی وارد کارزار شد. مثلاً یکی از رهبران انجمن روکوس (Ruckus Society) باسینی که از طرف گروه کار سیاتل به آن جا دعوت شده بود، یک روز پس از تظاهرات علیه کنگره جمهوری خواهان در فیلادلفیا، در خیابان بازداشت شد. پلیس که به مدت شش ساعت از او بازجوئی به عمل آورده بود علناً تأیید کرد که این اجازه را داشته است که در پرونده او هر گزارش دروغ و غلطی که می‌خواسته بگنجانند. در پایان آن‌ها ۱۳ مورد اتهام علیه باسینی جور کرده بودند، که او بابت آن‌ها می‌بایست یک میلیون دلار ضمانت پرداخت کند. که این (محکومیت) با در نظر گرفتن نقض جزئی قانون در تاریخ دادگاه‌های آمریکا حکمی بی‌نظیر بود. بازداشت‌های غیرقانونی، بدرفتاری و تجاوز به حقوق دستگیرشدگان اقدامات عملی است که به هنگام گردهمائی «مخالفین جهانی شدن» لیبرالی صورت می‌گیرد. اسناد و مدارک کافی در تایید این ادعاها را می‌توان در صفحه‌های «سایت» مستقل و گوناگون اینترنت از جمله در مرکز اطلاعاتی Indymedia.org که در واشنگتن به عنوان بدترین مزاحم شناخته شده پیدا کرد. در روز تظاهرات بزرگ در کبک (کانادا) علیه منطقه آزاد آمریکائی سروکله برخی از مقامات FBI و پلیس مخفی آمریکا که یک وکیل دعاوی کانادایی آن‌ها را همراهی می‌کرد در مرکز [Indymedia](http://Indymedia.org) در سیاتل پیدا شد. آن‌ها درخواست کرده بودند که تمام نامه‌ها و آدرس‌های الکترونیکی کل Surfer که در چهل و هشت ساعت پیش از آن در سایت اینترنت دیدار داشته‌اند، یعنی بیش از هزاران نفر، در اختیارشان گذاشته شود. این که آیا این اقدام نقض آشکار قانون اساسی آمریکا هست یا نه! بماند.

لگدمال شدن حق

ژاندارم‌های ایتالیایی که در نیمه شب ۲۱ ژوئیه به مرکز رسانه‌ای آلترناتیو در جنوا هجوم بردند، اصلاً نیازی به ارائه گواهی بازرسی نداشتند. آن‌ها به دنبال به دست آوردن عکس‌هایی بودند که نشان می‌داد چطور پلیس‌ها با گروه‌های آشوب طلب قاطی و همراه شده بودند.

هم‌چنین در اروپا، مقامات فوراً آماده می‌شوند که متون قانون را در صورت لزوم مورد دستکاری و تفسیرهای دلخواهی قرار دهند. این ضرورت اتفاقاً در دسامبر سال گذشته مورد پیدا کرد؛ یعنی هنگامی که روسای دولت‌های کشورهای اروپائی در Nizza گرد هم آمدند تا برای انعقاد کنفرانس‌های سالانه یک پیمان نامه جدید را غسل تعمید بدهند. در آن زمان از ورود ۱۵۰۰ ایتالیایی به داخل فرانسه جلوگیری شد، به‌رغم این‌که همه افراد مدارک قانونی و کامل مسافرت در دست داشتند. همچنین مقامات اتریش که عضو قرارداد شنگر نیست، چند هفته بعد در ژانویه امسال، بدون عذاب وجدان کلیه راه‌های منتهی به سوی Davos را بست و کل منطقه را تحت مقررات ویژه درآورد تا برنامه نشست جهانی اقتصاد بدون دغدغه تضمین شده باشد. و دولت ایتالیا، قرارداد شنگر را برای مدت ۴ روز معلق اعلام کرد تا از حرکت تظاهرکنندگان از سایر کشورها به سوی جنوا جلوگیری کند. تقریباً می‌توان این‌طور برداشت کرد که دولت به مثابه انحصار قهرمشروع اکنون دیگر محق هم هست که انحصار قهر نامشروع را در اختیار داشته باشد.

در این میان جنگ ایدئولوژیک هم با تمام حرارت در کار بوده است. مساله کلیدی از نظر آن‌ها عبارت از این است که: چطور می‌توان پس از ناکامی هم‌چون سیاتل، باردیگر سربلند کرد؟ برای مثال چطور می‌توان «مخالفین جهانی شدن» را به‌عنوان «دشمن فقرا» جلوه داد. شیوه‌ای که فاینانشال تایمز و اکونومیست و هم‌چنین سازمان تجارت جهانی WTO در ژنو دنبال می‌کنند، همان است که مایک مور، رئیس سازمان مذکور، از ته دلش با رک‌گویی تمام به زبان می‌آورد: «حالم از این تظاهرکنندگان بهم می‌خورد» (۵ فوریه ۲۰۰۱). در آن سوی دیگر آتلانتیک، پاول کروگمان - چهره محبوب رسانه‌های همگانی - و اقتصاددان موسسه تکنولوژی در ماساچوست که نسبت به این مساله نمی‌تواند خاموش بماند، می‌افزاید: «تا آنجا که مساله به صدمه زدن به انسان‌ها و زیان رساندن به خواست‌های آن‌ها مربوط می‌شود، مخالفین جهانی شدن تقریباً در اهداف خود موفق بوده‌اند. آیا تظاهرکنندگان کبک متوجه نبودند که هواداران آن‌ها عمداً به هر کاری دست زدند تا فقرا باز هم فقیرتر شوند.» در این اثنا جرج بوش هم به میدان می‌آید و در یک مصاحبه با لوموند (۱۹ ژوئیه ۲۰۰۱) اظهار می‌کند: «تظاهرکنندگان انسان‌ها را به یک زندگی در فقر محکوم می‌سازند.»

ادامه بحث را مجله اکونومیست پی می‌گیرد و بلافاصله پس از کنفرانس WTO در سیاتل و با توجه به بسیج موفقیت‌آمیز، این مجله توضیح می‌دهد که سازمان‌های غیرحکومتی «یک جابجائی تهدیدآمیز قدرت» را به نمایش

می‌گذارند، زیرا آن‌ها گروه‌های غیرانتخابی هستند که در مقابل هیچ‌کس خود را پاسخ‌گو نمی‌دانند. این به اصطلاح نقص مشروعیت جنبش مدنی از هنگام انتشار «بیانیه اقتصادی جنوا» در سپتامبر ۱۹۹۸ به یک ترجیح‌بند مفسرین اقتصادی تبدیل شده است. در سند نهایی ICC (اتاق بازرگانی بین‌المللی) در گفت‌وگوی اقتصادی جنوا که از دبیرکل سازمان ملل متحد و رئیس پیشین اتاق بازرگانی بین‌المللی، هلموت ماخر، هم دعوت به عمل آمده بود، «گروه‌های فشار اپوزیسیون» و قبل از همه مشروعیت‌شان به زیر سؤال برده شد. به عبارت دیگر مطرح شد که «حقوق و مسئولیت آن‌ها باید تحت نظم درآمد. اقتصاد به این عادت کرده است که با اتحادیه‌های کارگری، اتحادیه‌های مصرف‌کنندگان و دیگر گروه‌ها همکاری و هماهنگی کند، آن‌ها بامسئولیت رفتار می‌کنند، برای مالکیت احترام قائل هستند، سازمان‌های شفاف دارند و در برابر حساب‌رسی و افکار عمومی مطیع هستند. این سازمان‌ها به حق شایستگی آن‌ها را دارند که از طرف ما مورد احترام قرار گیرند. اما از سوی دیگر وقتی نگاه می‌کنیم، گروه‌های بی‌شماری پیدا شده‌اند که هیچ انضباط و انتقادی را بر نمی‌تابند.»

به این سیاست‌ها تاکتیک سومی هم افزوده می‌شود: تکرار مکرر این ادعا که جنبش مدنی مروج چیزهای پوچ و بی‌معنی است؛ مروج دروغ‌های آشکار و اطلاعات‌زدائی است صحبت از «بی‌مسئولیتی کامل و فرصت‌طلبی» و چوب لای چرخ گذاشتن است. اما آن‌هایی که مثل توماس فریدمن از نیویورک تایمز چنین یاوه‌هایی را به هم می‌بافند، واقعا فقط سزاوار حقارت و تمسخرند. فاینانشال تایمز هم در این گردوخاک کردن‌ها تهدیدکنان می‌نویسد: اگر خواهان دفع شرارت و متوقف ساختن تبلیغات مخرب مخالفین جهانی شدن هستیم، «اکنون زمان آن است که دور آن مرز روشن و قاطعی بکشیم.» آخر چه باید کرد، وقتی که این‌ها نمی‌خواهند به «خود انضباطی» تن به دهند، وقتی که این‌ها از «مرزهای روشن» گستاخانه فراتر می‌روند، وقتی که مخالفین پیوسته «از خود رفتار ناپسند نشان می‌دهند»؟ البته برخی دیگر در این باره باتامل می‌اندیشند. در مارس سال گذشته موسسه Cordell Hull مراسمی در واشنگتن برگزار کرد (که هدفش کمک به تجارت آزاد بود) زیر عنوان «پس از سیاتل: یک نیروی جدید برای WTO». از میان ۵۰ شرکت کننده در این گردهمایی که مقامات عالی‌رتبه دولتی، وزرای سابق، مشاورین شرکت‌ها و سفارت‌خانه‌ها هم شرکت داشتند، دو نماینده هم از حوزه سازمان‌های غیرحکومتی دعوت شده بودند. یکی از این دو نفر بورک سیلورگلاذ بود که از شنیدن این‌ها که چرا آثار خود را در اینترنت انتشار داده جاخورد. مباحث این جلسه البته نه بر سر WTO بلکه حول این مساله بود که چگونه جنبش مدنی را حتی الامکان خنثی سازند. وزیر سابق بازرگانی تاچر لرد پارکینسون بحث را با این پیشنهاد گشود که ملاقات‌های آتی WTO دیگر در خاک آمریکا برگزار نشود، چون در آنجا اعتراضات خیلی سریع و آسان سازماندهی می‌شوند. در همین راستا وزیر پیشین کشاورزی آمریکا کلایتون یویتر افزود که محل نشست باید به گونه‌ای انتخاب شود که «امنیت و نظم به خوبی تامین شود». به علاوه محل نشست باید حتی المقدور با تاخیر اعلام شود تا «فعالین جنبش سردرگم و متزلزل بشوند».

وزیر خارجه برزیل دوست داشت که ملاقات بعدی WTO بی درنگ در «وسط بیابان» یا در دریا روی یک «کشتی» برگزار شود. این آرزوی او فوراً مورد توجه واقع شد: کنفرانس WTO در نوامبر امسال در قطر برگزار خواهد شد، و برای نشست سران G-8 در جنوا ایده کشتی مورد تأمل قرار گرفته شد. این آقای وزیر سرانجام زیر کف زدن تشویق آمیز حاضرین ادعای سوزناکی درباره کار کودکان در کشورش برزیل قرائت کرد: کودکان برای کمک مالی به خانواده های شان مجبور به حمل بارهای ذغال سنگ از عمق معادن به کارخانه ها می شوند. واکنش یک مقام بالای آمریکایی این بود که «بہتر است که سازمان های غیرحکومتی محل خاک بازی دیگری در اختیار بچه ها بگذارند»: آن ها بہتر است برای مثال با سازمان بین المللی کار - که فاقد هرگونه قدرت است - خود را مشغول کنند. یکی دیگر از همین مقامات عالی رتبه آمریکایی که از ته دل خواهان بی اعتبار کردن NGOs است اضافه کرد: می باید کمک ها و اعانات به این سازمان ها قطع شود تا آشوب ها خاموش شوند.

در عمل این اظهارات گویای یک تغییر خط در سیاست توزیع اعانات آمریکا است - دلایل آن البته بر ما روشن نیست. آن طور که از سوی منابع موثق اعلام شده (و نمی خواهند نام شان فاش شوند)، سازمان ها و نهادهای فکری منتقدین جهانی شدن از این کمک ها محروم می شوند. در مورد کمک های کلان گفته شده که ریاست جمهوری شخصاً و براساس نظر کارشناسان بر کار توضیح کمک ها نظارت خواهد داشت؛ که در گذشته گروه هایی از «مجتمع سیاتل» از ناحیه این کمک ها تأمین می شده اند. گلدرفورد و بنیاد راکفلر اکنون ترجیح می دهند در راستای همان موسسات استراتژی اقتصادی که از سوی یکی از مشاورین پیشین رونالد ریگان هدایت می شد و طبق فهرست اعاناتی که تحت کنترل کنسرن های فراملیتی قرار دارند، عمل کنند.

به عنوان یک سلاح موثر دیگر، باید از سلطه قدرت اقتصادی بر وسایل نظارت الکترونیکی نام برد. شرکت eWatch یک مثال نمونه وار برای نشان دادن این قدرت سرمایه داری است که از هر کس و هر چیزی می تواند سود به دست آورد حتی از فعالیت مخالفین خودش. شعبه موسسه عمومی در ازای مبلغی میان ۳۶۰۰ تا ۱۶۲۰۰ دلار در سال برای مشتریان همه آن چه در شبکه وجود دارد ارائه می دهد، و علاوه بر آن تا ۱۵۰۰۰ آدرس الکترونیکی و ۴۰۰۰۰ گروه خبری را در دسترس آن ها قرار می دهد. در تبلیغات آن ها می خوانیم: «توسط ما شما می توانید رقابت کنید؛ با مقام دولتی، فعالین جنبش ها، و به دیگر عوامل گوناگون فعالیت های اقتصادی دسترسی داشته باشید.» با چند هزار دلار چه کارها که می توان کرد!

با یک نگاه اجمالی به این زرادخانه رقیب، آدم می تواند بگوید: این دقیقاً همان قانون جنگ است. این جا روشن می شود که اقدامات مخالفین جهانی شدن تا چه حدی موثر بوده است، و گر نه «اربابان جهان» ابداً مایل نیستند با این مسائل سروکله

بزنند. به علاوه نباید اهمیت موقعیت خاص امروز سرمایه‌داری در چالش‌های کنونی را نادیده گرفت. در گذشته سرمایه هیچ‌گاه نفرت خود را از دموکراسی به این صراحت برملا نکرده بود. برای آن‌ها هیچ چیز مهم‌تر از حفظ و تحکیم حاکمیت‌شان نیست. انتخاب جرج بوش و سیلویو برلسکونی تأییدی بر این حقیقت است. بنابراین جنبش‌های اجتماعی باید دریابند که آن‌ها از هم‌اکنون در مناطق مین‌گذاری شده حرکت می‌کنند.